

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۳۸ - ۳۳۱

چیستی و ارکان خصیصه ی قطع رحم و انواع آن

۱ زهرا صادقی

۲ زهره نیک فرجام

۳ فریبا پهلوانی

۴ عباس سماواتی

چکیده

صله در لغت به معنای: احسان، دوستی و ارتباط آمده و مراد از ((رحم)) خویشاوندان و بستگان و به عبارت دیگر محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است.

قطع رحم عبارت است از آزرده و رنجاندن خویشان و بستگان و نزدیکان، و یاری نکردن و غمخواری ننمودن با آنان در مال و آسایش و خیرات دنیوی در حالی که به آن محتاج باشند. و سبب و باعث آن یا عدوات است یا بخل و خست. ظاهراً بین قطع و صله ی رحم حالت واسطه ای وجود دارد، زیرا هر احسانی، ولو خویشاوند وی بدان محتاج نیست و خود او به آن نیازمند است، صله نامیده می شود و حال آنکه عدم این احسان قطع رحم نیست. بدترین نوع قطع رحم عاق والدین است به طوری که پیغمبر - صلی الله علیه و آله - فرمود که: «جمیع مسلمین در روز قیامت مرا خواهند دید، مگر عاق والدین، و شراب خوار، و کسی که نام مرا بشنود و صلوات بر من نفرستد». و همین قدر از برای عاق والدین کافی است که: پیغمبر خدا بر او نفرین کرد و فرمود: «هر که پدر و مادر، یا یکی از آنها را ادراک کند، و او را از خود راضی نسازد هرگز آمرزیده مباد. جبرئیل بر نفرین آن حضرت آمین گفت». در مکاتبه منسوب به امیر المؤمنین (ع) به عمال خود چنین است: «مروا الاقارب ان یتزاوروا و لا یتجاوروا». مرحوم نراقی در معراج السعاده در شرح این جمله چنین می نویسد: امر کنید خویشاوندان را که به دیدن یک دیگر روند اما باهم همسایگی نکنند، چه همسایگی باعث بغض و حسد و قطع رحم گردد.

واژگان کلیدی

خویشاوند، نسب، قطع رحم، صله رحم.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: zs.sadeghi2014@gmail.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: zohrehnik@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: fatemeoveysi1366@gmail.com

۴. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: ab.sama@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۹ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۵

طرح مسأله

از زمان‌های قدیم همیشه به ما سفارش شده که از اقوام خود با خبر باشیم و تا جایی که می‌توانیم به احوالات و امورات آن رسیدگی کنیم و اینکه قطع رحم از گناهان کبیره است. ولی این رسیدگی‌ها آیا همیشه می‌بایست حضوری باشد؟ یا اینکه مالی باشد؟ در اینجا و در اول این مقاله روایت زیبایی از امام صادق (ع) را که صدوق به سند معتبر از حضرتش نقل کرده بیان می‌کنم.

یونس (ع) در شکم ماهی در حال مناجات و انابه و ناله بود، صدای او را به روح قارون که دچار خسف (زمین‌گرفتگی) شده بود و به عذاب حق مبتلا بود رساندند، پرسید صدای کیست؟ فرشته موکل بر عذاب گفت: صدای پیامبری از بنی اسرائیل است، اجازه خواست با او چند کلمه ای صحبت کند، به او اجازه دادند، از حال هارون و موسی پرسید، یونس پاسخ داد من در زمانی غیر زمان آنها هستم ولی هر دو نفر آنها از دنیا رفته‌اند، قارون گریه کرد، خداوند خطاب فرمود: به خاطر این رقتی که نسبت به اقوامش نشان داد، در عذابش تخفیف بدهید.^۱

با اندکی تأمل در این روایت و امثال آن می‌توان فهمید حتی احوال‌پرسی از اقوام بی‌تأثیر نیست.

پیشینه‌ی تحقیق

- ۱- قطع رحم از دیدگاه و روایات و تحلیل علل آن در جامعه کنونی (برقعی، مریم سادات، سرکشیکیان، زهرا سادات) مجله مطالعات قرآنی نامه جامعه، بهار ۹۷ شماره ۱۲۵
- ۲- قطع رابطه با خویشان ممنوع (فرج‌اللهی، فرج‌الله) مجله درس‌هایی از مکتب اسلام مهر ۸۳ شماره ۵۲۳
- ۳- آثار و پیامدهای ترک صلّه رحم (نصرت سنجری) ماهنامه علوم انسانی اسلامی دوره ۱ ش ۱۲
- ۴- بررسی فقهی صلّه رحم و قطع آن (سید محمد رضا واحدی)، انتشارات خرسندی ۱۳۹۸

قطع رحم چیست؟

قطع رحم عبارت است از آزرده و رنجاندن خویشان و بستگان و نزدیکان، و یاری نکردن و غمخواری نمودن با آنان در مال و آسایش و خیرات دنیوی در حالی که به آن محتاج باشند. و سبب و باعث آن یا عدوات است یا بخل و خست.

بنابراین قطع رحم از ردائل قوه‌ی غضب یا شهوت است، و شکی نیست که از بزرگترین مهملکات و تباه‌کننده‌ی دین و دنیای آدمی است.

به طور کلی می‌توان گفت که مراد از قطع رحم این است که رحم خو را از به رفتار یا کردار بی‌بازاری و با او رفتار ناشایست کنی، یا او را نیاز شدید به چیزی باشد و تو علاوه بر قدر حاجت ضروری خود قدرت بر رفع احتیاج او را داشته باشی، از مسکن و لباس و خوراک، و از دادن آن به او خودداری و امتناع کنی، یا دفع ظلم از او برای تو میسر باشد و نکنی، یا به سبب کینه و حسد از او دوری و کناره‌گیری کنی و هنگام بیماری عیادتش نکنی، و چون از سفر آید به دیدنش نروی، همه‌ی اینها و امثال اینها قطع رحم است. و اضرار آنها، از دفع اذیت و یاری نمودن به مال و کمک کردن با زبان و دست و با مقام و امثال اینها، صله‌ی رحم است.^۱

همچنین قطع رحم در عرف نیز عبارت از هر امری است که در عرف بریدگی از آن فهمیده شود مانند سلام نکردن یا رو ترش کردن یا رو برگرداندن یا ترک احترام و ادب نمودن یا در سفر جواب نامه ندادن یا در حضر، ترک دیدار یا مثلاً عیادت نکردن اگر مریض شود یا از سفر بازگردد و نظائر اینها.^۲

البته شکی نیست که صدق عرفی قطع و صله رحم به حسب زمان و مکان و مراتب ارحام و خصوصیات آنها فرق می‌کند ممکن است عملی نسبت به رحم نزدیک قطع باشد ولی نسبت به رحم دور قطع نباشد یا ممکن است نسبت به رحم شریفی که دارای مقامی است قطع و نسبت به دیگری نباشد البته در موارد شک باید جانب احتیاط را مراعات نمود که مبادا در گناه کبیره قطع رحم واقع شد.^۳

انواع قطع رحم

۱- عقوق والدین

۲- انکار کردن و تبری نمودن از نسب اقارب

عقوق چیست

مجلسی در شرح کافی: عقوق والدین به این است که فرزند حرمت آنها را رعایت نکند و بی ادبی نماید و آنها را به سبب گفتاری یا رفتاری برنجاند و آزار و اذیت کند و در چیزهایی که عقلا و شرعا مانعی ندارد نافرمانی از آنها نماید و این عقوق گناه کبیره است و دلیل بر حرمت آن

۱- علم اخلاق اسلامی ترجمه‌ی جامع السعادات

۲- گناهان کبیره جلد ۱ ص ۱۴۹

۳- گناهان کبیره جلد ۱ ص ۱۴۹

کتاب و سنت و اجماع خاصه و عامه است.

امام صادق (ع) فرمودند: کمترین عقوق (ناسپاسی والدین) گفتن اف است (بروی پدر یا مادر) و اگر خدا چیزی را از آن آسان تر می‌دانست از آن نهی می‌کرد. و نیز از عقوق است به پدر یا مادر نگاه خیره و تند کردن^۱ و از امیر المؤمنین علی (ع) روایت شده از عقوق است محزون ساختن پدر یا مادر و از موارد قطعی عقوق که گناه کبیره است ترک بر واجب مانند نفقه (مخارج روزانه و لباس و مسکن) در صورت احتیاج پدر یا مادر می‌باشد و بطور کلی آزردن خاطر والدین و رنجاندن و ناراحت ساختن آنها عقوق و حرام مسلم است.

انواع عقوق

اگر خداوند چیزی را کمتر و پست تر از اف گفتن می‌دانست از آن نهی می‌فرمود ، و اف گفتن کمترین مرتبه ی عقوق ، و از جمله ی عقوق تند نگاه کردن به پدر و مادر است. ضد عقوق والدین نیکی و احسان به ایشان است ، و آن برترین وسیله ی قُرب به خداوند و شریف ترین سعادت هاست^۲.

شدیدترین نوع قطع رحم

عقوق والدین بدترین و شدیدترین انواع قطع رحم است ، زیرا نزدیک ترین و خاص ترین ارحام به سبب ولادت تحقّق می‌یابد و بنابر این حق پدر و مادر را دو چندان می‌سازد . عقوق والدین مانند قطع رحم یا ناشی از کینه و خشم از کینه و خشم است و یا از بخل و حبّ دنیا؛ و بدین ترتیب از ردائیل یکی از دو قوه ی غضب و شهوت است. از این رو آنچه بر مذمت قطع رحم دلالت دارد بر ذمّ عقوق نیز دلالت می‌کند ، و چون این شدید ترین و بدترین انواع قطع رحم است آیات و اخبار بسیاری در نکوهش آن رسیده^۳.

نیکی به والدین در زندگی و مرگ

فرقی در حرمت عقوق و وجوب نیکی به والدین بین حال حیات و ممات آنها نیست یعنی به مرگ حق آنها ساقط نمی‌شود و هر گاه پس از مرگ فراموش گردند و نیکی به ایشان ترک شود عاق والدین محسوب می‌شود هرچند در حال حیات اداء حق ایشان شده و نیکی به آنها ترک نگردیده باشد^۴.

۱- اصول کافی باب عقوق

۲- علم اخلاق اسلامی ترجمه ی جامع السعادات ج ۲ ص ۳۵۲

۳- علم اخلاق اسلامی ترجمه ی جامع السعادات ج ۲ ص ۳۵۰

۴- اصول کافی ج ۲ ص ۱۳۰

حقوق والدین پس از مرگ

حق والدین پس از مرگ آن است که

۱ - واجباتی که از آنها در حال حیات فوت شده از قبیل حج، نماز، روزه و همچنین اگر بدهی داشته‌اند اولاد آنها را ادا نماید.

۲ - به آنچه وصیت نموده‌اند عمل کند.

۳ - آنها را تا آخر عمرش نباید فراموش نماید باید برایشان طلب آمرزش و رحمت کند و به نیابت آنها صدقه دهد و اعمال مستحبه را به قصد ایشان انجام دهد و در یک جمله آنچه می‌تواند از هدایا و تحفه‌های معنوی برای آنها بفرستد.^۱

عقوق والدین پس از مرگ

حضرت باقر (ع) فرمودند: بنده‌ای در حال حیات پدر و مادرش به آنها نیکوکار است، چون مردند آنها را فراموش کرد و بدهی آنها را نپرداخت و طلب رحمت برای آنها نکرد پس خدای تعالی او را عاقّ والدین ثبت خواهد فرمود، و بنده‌ی دیگری عاقّ والدین است در حال حیات آنها، چون مردند قرض آنها را ادا می‌نماید و به دعا و استغفار، آنها را یاد می‌کند پس خدای تعالی او را بار (نیکی‌کننده) به والدین ثبت خواهد فرمود.^۲

آثار قطع رحم

در روایت است که در شب قدر پس از آنکه فرشتگانی که همراه جبرئیل به زمین آمده‌اند، ماموریت خود را به انجام رساندند، جبرئیل به آنها دستور بازگشت به آسمان می‌دهد در این حال فرشتگان به جبرئیل می‌گویند: پروردگار در رفع نیازمندی‌های پیروان مومن حضرت محمد (ص) چه کار کرد؟ جبرئیل در جوابشان می‌گوید: خداوند متعال گناهان همه را بخشید مگر کسانی که پیوسته مشروبات الکلی می‌نوشند، یا عاق پدر و مادرشان هستند، یا از فامیل خود گسسته‌اند، و یا با مومنین دشمنی می‌نمایند.^۳

۲- انکار کردن و تبری نمودن از نسب اقارب

و از جمله‌ی انواع قطع رحم، انکار کردن و تبری نمودن از نسب اقارب است. و کلینی رحمه الله از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: کافر است به خدای تعالی، کسی که بیزار می‌کند از نسب، هر چند دقیق باشد، یعنی نسب دوری باشد.^۴

۱- اصول کافی ج ۲ ص ۱۳۰

۲- اصول کافی ج ۲ ص ۱۳۰

۳- زاد المعاد، اعمال شب قدر ص ۱۷۳

۴- کافی ج ۲ ص ۳۵۰

با عنایت به مطالب فوق و چون در شرع مقدّس معنی خاصی برای رحم ذکر نگردیده پس مراد همان معنی عرفی آن است که عبارت است از مطلق اقارب، به معنی خویشاوندان پدری و مادری هرچند به چند واسطه باشد و همچنین خویشاوندی از طریق اولاد.

عروۀ بن یزید از حضرت صادق (ع) از معنی آیه و کسانی که می‌پیوندند آنها را که خدا امر به پیوندشان فرموده^۱ پرسید حضرت فرمودند: «هی قرابتک»^۲ یعنی صلۀ رحم پیوند به تمام خویشاوندان است، محرم باشد یا نامحرم، دور باشد یا نزدیک یعنی واسطه بخورد یا نه.

و از جمله ی افراد قطع رحم که شایع و از اقبیح افراد است، آن است که بعضی از اقارب که صاحب ثروت، مکنّت یا اعتبار دنیوی می‌باشند، ترک دیدن و پرسیدن دیگران را می‌نمایند، و حتّی گاهی بعضی از ایشان را که ببینند، شناسند و اسم ایشان را ندانند و فرزندان ایشان را ندیده باشند، و هر کدام از اقارب را که به حسَب دنیا معتبر باشند، کمال ملازمت کنند. و غرض باطنی در آن مهربانی، تحصیل اعتبار و جلب نفع باشد و به صلۀ ی رحمش موسوم سازند. و این نوع قطع رحم، مرکّب است از دو معصیت:

۱- قطع رحم

۲- تکبّر با وجود تساوی در اصل و نسب

و این نوع تکبّر، قبیح تر از تکبّر شیطان است که به سبب آن، مستحقّ لعن ابدی شد؛ زیرا که شیطان در تکبّر خود، شبهه داشت که: «اصل من، از آتش است و آتش، بهتر از خاک است»، و در این مقام، شبهه‌ای موجود نیست و ثروت و اعتبار دنیا را مناط این نوع امتیاز قرار دادن، دلیل دنائت نفس است.^۳

تعریف نسب

نسب (جمع آن انساب) به معنای پیوند خویشاوندی، به ویژه پیوند پدری و نیاکان پدری است،^۴ در فارسی نسب را نژاد، اصل، نسل و رگ و ریشه معنا کرده اند و جمع آن را انساب دانسته اند. راغب اصفهانی می گوید: نسب به جهت یکی از ابویین است و نسب دو گونه است:

۱- نسب طولی که بین پدران و فرزندان است.

۱ - سوره رعد آیه ۲۲

۲- کافی

۳ - منهج الیقین ص ۲۰۹

۴ - فیروز آبادی، ابن منظور، ذیل نسب

۲- نسب عرضی که بین برادران و برادرزادگان و عموزادگان است^۱.
دهخدا از انساب (جمع نسب) به پشتها تعبیر کرده است^۲، مفرد آن انساب به معنای قرابت آمده و گفته اند نسب خاصه‌ی پدران است، و صاحب التهذیب نیز گفته نسب به پدر باز می‌گردد.^۳

به طور کلی نسب رابطه‌ی شخصی به دیگری است که از طریق ولادت، خواه به او منتهی شود (مانند منتهی شدن پسر به پدر) خواه طرفین رابطه‌ی خویشاوندی به ثالث منتهی شوند مانند دو برادر که به پدر یا مادر منتهی می‌شوند را می‌گویند، البته با التقاء در فوق پدر چهارم نسب صدق نمی‌کند، معذک تابع فهم عرف است و در صورت شک در صدق نسب، آثار نسب مترتب نمی‌شود.^۴

انواع نسب

۱- نسب اربع

بین هر دو مفهوم یکی از چهار نسبت وجود دارد:

۱. تباین
۲. تساوی
۳. عموم و خصوص مطلق
۴. عموم و خصوص من وجه

۲- نسب به خط اطراف

قرابتی است نسبی بین دو یا چند نفر که به وسیله‌ی ولادت از ثالث به وجود آمده اند بی واسطه باشد یا به واسطه‌ی مانند قرابت برادر و خواهر و یا برادران و یا خواهران نسبت به یکدیگر و قرابت برادر زاده و خواهر زاده نسبت به یکدیگر.

۳- نسب به خط مستقیم

قرابت نسبی که به وسیله‌ی ولادت یکی از دیگری حاصل شود بعضی آن را (قرابت در خط مستقیم) نامیده اند و بعضی بر آن قرابت عمودی نام نهاده اند مانند قرابت جد نسبت به نوه و بالعکس.

۱- راغب اصفهانی

۲- لغت نامه دهخدا

۳- احمد نگری

۴- ترمینولوژی حقوق ص ۷۱۱

۴ - نسب قانونی

خویشاوندی طفل نسبت به پدر و مادری است که در حین انعقاد نطفه بین آنان نکاح صحیح (اعم از نکاح دائم یا منقطع) وجود داشته و یا خویشاوندی مذکور را قانون محترم شناخته باشد.^۱

۵ - نسب نامشروع

هر گاه بین زن و مرد معینی رابطه ی ازدواج برقرار نشده باشد و مقاربت آنها از روی شبهه نباشد طفل حاصل از این عمل که منسوب به آنها است دارای نسب نامشروع (زنا) است و چنین طفلی را ولد زنا گویند که ملحق به ابویین یا یکی از آنان نمی باشد.^۲

۶ - (جامع) نسب

در قرابت نسبی خویشاوندانی که از نسل یکدیگر نبوده و از نسل شخص ثالثی باشند آن شخص ثالث را نسبت به آنان جامع نسب گویند چنانچه جامع نسب ، دو برادر پدر و مادر آنان میباشند، پس جامع نسب مربوط به خویشاوندان به خط افراد است نه خط مستقیم (یا عمودی)

۷ - ضابطه (نسب)

مقصود از آن عمود - حاشیه - طبقات و درجات است : عمود یعنی نسب عمودی که به خط مستقیم به یکدیگر می پیوندند مانند پدران و مادران هر قدر بالاتر روند و فرزندان هر قدر پائین تر روند ، سایر خویشاوندان حاشیه را تشکیل می دهند یعنی در حاشیه ی نسب قرار دارند . عمود طبقه ی اول را تشکیل می دهند (به غیر اجداد) ، اجداد از عمود و اخوه و اولاد آنها از حاشیه ، طبقه ی دوم را تشکیل می دهند، سایر حواشی طبقه ی سوم را تشکیل می دهند که در هر یک از سه طبقه درجات وجود دارد.

تعریف اقارب

اقارب ، از لحاظ لغوی از امور اضافی هستند ؛ یعنی ممکن است همان چیزی که قریب است در جای دیگر بعید باشد ، اقارب جمع اقرب است و به کسی گفته می شود که طولاً یا عرضاً به شخص دیگری منسوب باشد و به عبارت دیگر ، نسبت توالد و تناسلی داشته باشد.^۳ اقارب ، عبارت است از خویشاوندان نسبی و سببی و رضاعی که قرابت نسبی به سبب خون، قرابت سببی به واسطه ی ازدواج و قرابت رضاعی به علت شیر دادن به دست می آید.^۴

۱- ترمینولوژی حقوق ص ۷۱۲

۲- ترمینولوژی حقوق ص ۷۱۲

۳- اندیشه های حقوقی ص ۲۹۵

۴- اندیشه های حقوقی ص ۲۹۵

قرابت در خط عمودی دو قسم است

۱- سعودی

۲- نزولی

قسم اول ناظر است به کسانی که شخص از آنها متولد شده (مانند پسر نسبت به پدر و جد) و قسم دوم ناظر به کسانی است که از شخص متولد شده اند مانند جد نسبت به نوه، بر طبق ماده ۱۱۹۶ ق. م نیز در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از سعودی، نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.

اقرار به نسب

یکی از دلایل مهمی که در زمینه‌ی نسب به کار می‌آید اقرار است که ماده‌ی ۱۲۷۳ قانون مدنی متضمن قواعدی راجع به آن می‌باشد. قانونگذار ما در این زمینه، مانند قواعد دیگر نسب، از فقه اسلامی پیروی کرده است. اقرار به طور کلی در ماده‌ی ۱۲۵۹ قانون مدنی چنین تعریف شده است:

اقرار عبارت است از: اخبار به حقی برای غیر به ضرر خود.

ارزش اقرار به عنوان دلیل از آن جهت است که هرگاه شخص عاقل به زیان خود و به سود دیگری چنین اظهار کند، آن امر معمولاً درست و مطابق واقع است. بنابراین اگر اقرار به زیان دیگری باشد، ادعایی بیش نیست و از آن جهت که به زیان غیر است، نمی‌تواند موثر باشد. اما اقرار به نسب دارای خصوصیتی است که آن را از موارد دیگر اقرار متمایز می‌سازد:

این اقرار هم به سود و هم زیان اقرار کننده است، چه هم حقوق و هم تکالیفی راجع به نفقه و ارث و غیر آن برای او ایجاد می‌کند. البته در مورد کبیر که تصدیق او شرط درستی اقرار است، آنچه در قانون مدنی و فقه اسلامی آمده موافق قاعده است؛ اما در مورد صغیر که تصدیق او شرط صحت اقرار نیست و نمی‌تواند باشد، راه حلی که پذیرفته شده خلاف قاعده است، چه در واقع این اقرار به زیان وی و به سود اقرار کننده نافذ و موثر شناخته شده است.

شرایط اقرار به نسب

ماده‌ی ۱۲۷۳ ق. م

اقرار به نسب، علاوه بر شرایط عمومی اقرار، به ویژه شرایط مندرج در ماده‌ی ۱۲۶۲ ق. م^۱، باید دارای شرایطی باشد که در ماده‌ی ۱۲۷۳ به شرح زیر مقرر شده:

اقرار به نسب در صورتی صحیح است که اولاً تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن

۱- ماده ۱۲۶۲ ق. م: (اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد. بنابراین اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکروه موثر نیست .

باشد؛ ثانیاً کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند، مگر در مورد صغیری که اقرار بر فرزندی او شده، به شرط آنکه منازعی در بین نباشد.

بنابراین اقرار به نسب در صورتی صحیح است که دارای دو شرط زیر باشد:

۱ - تحقق نسب بر حسب عادت و قانون ممکن باشد:

اگر تحقق نسب بر حسب عادت ممکن نباشد، چنانکه جوان ۱۸ ساله ای اقرار به پدری طفلی ۸ ساله کند، یا تحقق نسب قانوناً غیر ممکن باشد - مثل اینکه اقرار به فرزندی کسی شود که طبق اماره فراش منسوب به دیگری است یا اقرار به نسب نامشروع طفلی شود - این گونه اقرار درست نیست و منشاء اثر قانونی نخواهد بود.

ممکن است تحقق نسب عقلاً محال باشد، چنانکه جوانی ۲۵ ساله اقرار به فرزندی ۲۶ ساله کند، چون عقلاً محال است که معلول بر علت مقدم باشد، که فرد ۲۶ ساله نمی تواند فرزند مردی ۲۵ ساله باشد و از این رو اقرار مذکور نیز باطل و بی اثر است، هرچند که قانون مدنی نظر به بدهت امر، آن را ذکر نکرده است.

۲ - کسی که به نسب او اقرار شده تصدیق کند:

هر گاه به نسب کسی اقرار شده باشد، چون این اقرار به زیان غیر و به سود مقرر نیز هست، طبق قاعده کلی، در صورتی موثر و معتبر است که مقرر له آن را تصدیق کند و در صورت عدم تصدیق مقرر له، حکم به وجود رابطه ی نسب نخواهد شد. شک نیست که تصدیق مقرر له هنگامی معتبر است که او کبیر و عاقل بوده و اراده ی حقوقی داشته باشد.

حال اگر کسی که اقرار به نسب او شده است اقرار را تکذیب کند، آیا اقرار به نسب اصلاً باطل و بلااثر است یا به زیان مقرر موثر می باشد و تکالیف ناشی از نسب، مانند نفقه، برای او ایجاد می گردد؟

بعضی از استادان حقوق، با توجه به گفته برخی از فقهای امامیه، اظهار نظر کرده اند که هر گاه تصدیق از طرف مقرر له نشود، اقرار فقط در حق مقرر نافذ است، مثلاً باید نفقه ی مقرر له را بدهد (هر چند که مقرر له حق مطالبه ندارد) و از نظر میراث و حرمت ناشی از نسب، در روابط زناشویی موثر خواهد بود (در حق مقرر، نه در حق مقرر له)^۱

لیکن نظر به اینکه رابطه ی نسب یک رابطه ی دو جانبه است و معقول نیست که این رابطه و آثار آن از یک طرف وجود داشته باشد و از طرف دیگر منتفی باشد و با توجه به ظاهر ماده ۱۲۷۳، قبول این نظر دشوار می نماید، چه این ماده تصدیق مقرر له را شرط صحت اقرار تلقی کرده و از آن چنین بر می آید که در صورت عدم تصدیق، اقرار باطل و کان لم یکن

خواهد بود. در واقع می‌توان گفت:

ماده ی ۱۲۷۳ ق. م. استثنایی بر ماده ی ۱۲۷۲ آن قانون است که تصدیق مقرر له را شرط صحت اقرار نمی‌داند.

از ظاهر آنچه در اکثر کتب معروف فقهی، مانند شرایع و مسالک و شرح لمعه و مفتاح الکرامه، آمده است نیز استنباط می‌شود که این قول مورد قبول گروهی از فقهای امامیه است.^۱ در واقع می‌توان گفت قانونگذار ایران در آن مساله از فقهای امامیه پیروی کرده است.

اقرار به خویشاوندی

اقرار به خویشاوندی عبارت است از: اقرار به قرابت با کسی که فرزند بلاواسطه اقرار کننده نیست و بعضی از آن به ((اقرار به نسب در غیر فرزند صلبی)) تعبیر کرده اند. مثلاً کسی اقرار می‌کند که دیگری پدر یا نوه یا برادر یا عموی اوست. بنابر آنچه فقهای امامیه گفته اند: این اقرار هنگامی معتبر است که مقرر له آن را تصدیق کند. حتی اگر مقرر له صغیر باشد، باید آن را بعد از رسیدن به سن بلوغ، تصدیق نماید، و گرنه قرابت نسبی ثابت نخواهد شد، گفته شده است که در این مساله بین فقهای امامیه خلافتی نیست.^۲

ممکن است گفته شود در حقوق مدنی، تفکیک بین اقرار به نسب فرزند صلبی و غیر آن مجوزی ندارد، زیرا ماده ی ۱۲۷۳ به طور اطلاق از اقرار به نسب سخن گفته و شرایط آن را معین کرده است و نسب شامل هر گونه قرابت نسبی می‌شود. به علاوه سکوت قانونگذار، در مقام بیان، دلیل بر آن است که نخواستند تفکیکی را که در فقه امامیه وجود داشته، بپذیرد.

مع هذا حمل قانون مدنی بر قول اتفاقی یا مشهور فقهای امامیه اقوی است و با روح نظام جمهوری اسلامی و اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز سازگار است.

آثار اقرار به نسب

۱- تفکیک بین اقرار به نسب فرزندی و اقرار به خویشاوندی

قانون مدنی درباره ی آثار اقرار به نسب ساکت است؛ لیکن با استفاده از منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر فقهی (اصل ۱۶۷ ق. ۱۰. و ماده ی ۳ قانون آ.د.م) می‌توان آثار این اقرار را با تفکیک بین نسب فرزندی و نسب خویشاوندی به شرح زیر بیان کرد:^۳

۱- در مورد اقرار به نسب فرزندی، اثر اقرار ثبوت رابطه ی نسب با تمام آثار آن است، یعنی حقوق و تکالیف ناشی از نسب بر آن مترتب خواهد بود. این اقرار نه فقط بین اقرار کننده و

۱- شرح لمعه ج ۲ ص ۲۱۸

۲- مفتاح الکرامه، ج ۹، ص ۳۴۴

۳- دکتر امامی، ج ۶، ص ۴۶ و ۴۷

کسی که به فرزندی او اقرار شده موثر است، بلکه نسبت به دیگران نیز تاثیر خواهد داشت. مثلاً از لحاظ توارث نه تنها مقرر و مقرر له از یکدیگر ارث می‌برند، بلکه بین هر یک از آنان با خویشان دیگری و نیز بین اقربای آنان با یکدیگر نیز توارث، در حدود مقررات ارث، وجود خواهد داشت.

۲- در مورد اقرار به خویشاوندی، اقرار، در صورتی که واجد شرایط صحت باشد، فقط در رابطه‌ی بین اقرار کننده و کسی که به قرابت نسبی او اقرار شده و خود، آن را تصدیق کرده، موثر خواهد بود و نسبت به دیگران تاثیری نخواهد داشت، مگر اینکه آنان نیز اقرار را تصدیق کنند، زیرا طبق قاعده‌ی عقلی و حقوقی، اقرار هر کس نسبت به خود نافذ است و به زیان دیگران موثر نیست. تفکیک بین اقرار به نسب فرزند صلبی و اقرار به غیر آن، از لحاظ آثار و عدم سرایت اقرار اخیر به اشخاص ثالث، مورد اتفاق فقهای امامیه است.^۱

بنابراین اگر فرضاً کسی اقرار کند که دیگری نوه‌ی اوست، این اقرار، رابطه‌ی پدر فرزندی، بین مقرر له و فرزند بلاواسطه مقرر، ایجاد نخواهد کرد و مقرر له در ترکه‌ی فرزند بلاواسطه مقرر سهیم نخواهد شد.

همچنین اگر کسی که وارث مشهوری دارد به نسب خویشاوندی شخص دیگری اقرار کند که در صورت ثبوت نسب، به دلیل دیگر، با آنان در ارث شریک یا آنان را حاجب می‌شود، این اقرار از نظر ارث پذیرفته نیست، زیرا اقراری در حق غیر و به زیان دیگری است و چنانکه فقهای امامیه گفته‌اند، نمی‌تواند نسبت به غیر موثر باشد.

۲- حقوق تطبیقی اقرار به نسب

اقرار به نسب در کشورهای اسلامی، از جمله‌ی ادله‌ی اثبات و احراز نسب محسوب می‌گردد.

در حقوق عراق، اقرار به نسب طفل مجهول النسب ولو در مرض متصل به موت، مشروط بر این که ولادت چنین طفلی از زوجین امکان پذیر باشد، اعتبار قانونی دارد. (ماده‌ی ۵۲ تا ۵۴ قانون احوال شخصیه‌ی عراق)

در حقوق تونس انکار بعد از اقرار به نسب طفلی به ضرر طفل مزبور مسموع و موثر نیست و اگر نسب طفلی بعد از اقرار مورد انکار اقرار کننده واقع شود و اقرار کننده، قبل از فرزند (مقرر له) فوت شود، مقرر له از اقرار کننده ارث می‌برد. (ماده‌ی ۷۴ مقررات احوال شخصیه‌ی تونس)

در کشور سوریه، اقرار به فرزندی طفل مجهول النسب از طرف مرد یا زن وقتی موثر است و نسب هنگامی مستقر می‌گردد که تفاوت سنی بین مقرر و مقرر له در حدی باشد که احتمال

صدق اقرار به وجود رابطه‌ی خویشاوندی دیگری غیر از اقرار به فرزندی، مانند اقرار به وجود رابطه‌ی برادری یا خواهری و نظایر آن، در صورت در برابر افراد ثالث موثر خواهد بود که این اقرار مورد تصدیق و تائید این افراد قرار گرفته باشد. (مواد ۱۳۴ تا ۱۳۶ قانون احوال شخصیه‌ی سوریه)

در حقوق ایران، همان طور که اشاره شد، اقرار به نسب از لحاظ شرایط صحت و آثار به دو دسته قابل تقسیم است:

۱- اقرار بدون تصدیق مقرر له

اقرار به نسب فرزندی صغیر، به شرط آنکه بر حسب عرف و قانون، قابل الحاق به مقرر بوده و منازعی در بین نباشد، احتیاج به تصدیق مقرر له بعد از بلوغ ندارد و این اقرار بر طبق ماده‌ی ۱۲۷۳ ق. م که بر نظر اجتماعی فقهای امامیه استوار است نفوذ و اعتبار دارد و بین مقرر و مقرر له و دیگر اقارب آنان رابطه‌ی کامل حقوقی ایجاد خواهد کرد.

۲- اقرار با تصدیق مقرر له

اقرار به نسب فرزندی فرد کبیر و اقرار به خویشاوندی نسبی دیگر، مانند اقرار به برادری و خواهری و اقرار به نسب نوه و نتیجه و پدری و مادری و امثال تصدیق وی، بعد از رسیدن به سن بلوغ، معتبر خواهد بود و اقرار با تصدیق مقرر له با توجه به ضوابط عمومی اقرار، طبق ماده‌ی ۱۲۷۸ ق. م، فقط نسبت به مقرر و مقرر له و قائم مقام آنها اعتبار دارد و در وضع سایر خویشاوندان نسبی طرفین هیچ گونه اثر حقوقی نخواهد داشت.^۱

نسب از دیدگاه قرآن

واژه نسب در قرآن یک بار در سوره‌ی فرقان آیه‌ی ۵۴ ذکر گردیده.
 وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا.
 و او کسی است که انسان را از آب آفرید و او را دارای پیوند نسبی و سببی گردانید (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)، و پروردگار تو همواره تواناست.
 و واژه‌ی انساب نیز یک بار در سوره‌ی مومنون آیه‌ی ۱۰۱ به کار رفته است.
 فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ.
 پس آنگاه که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان خویشاوندی است و نه (از حال یکدیگر) سوال می‌کنند.

در نگاه مثبت به اصل و نسب، آیاتی در قرآن وجود دارد که پیامبر(ص) خود را به حضرت ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب و نوادگان آنها موسی و عیسی نسبت می‌دهد.

قُولُوا أَمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ
وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.^۱
نسب نامه خداوند

سوره «توحید» یا «اخلاص» را نسب نامه خداوند خوانده اند، چرا که در روایت آمده است که برای هر چیزی نسبی است و نسب نامه خدا سوره اخلاص است.
«برخی از اهل کتاب و مشرکان، از پیامبر خواستند که خدایت را برای ما معرفی کن؛ این سوره که به منزله شناسنامه خداوند است، نازل شد و خداوند را از داشتن پدر و مادر یا فرزند و همسر و یا شبیه و شریک، پاک و منزه دانست. این سوره شامل خالص‌ترین عقاید توحیدی است، از این رو سوره توحید و اخلاص نام گرفته است.^۲

صله رحم در قرآن

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي
الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ.^۳

کسانی که عهد الهی را پس از بستن پیمان، می‌شکنند و آن چیزی را که خداوند امر به پیوستن آن کرده است می‌برند [و قطع رحم می‌کنند] و در روی زمین فساد می‌کنند ایشان زیانکاران‌اند.

در این آیه چند مطلب جالب و مهم در خصوص صله و قطع رحم ذکر شده است :

۱- اینکه پیوند خویشاوندی در حقیقت یک میثاق تکوینی بین افراد قبیله و عشیره و افراد فامیل است، مثل اینکه همه ی افراد فامیل با زبان تکوین با همدیگر هم‌پیمان شده‌اند که پیوندشان را قطع نکنند و با همدیگر الفت داشته باشند و از عداوت و کینه و عناد نسبت به یکدیگر دوری کنند و قطع رحم به منزله شکستن این پیمان تکوینی می‌باشد.

۲- اینکه این پیمان در دستور الهی نیز قرار دارد، یعنی این پیمان، پیمان تشریحی نیز می‌باشد و امر و فرمان خداوند به همه ی افراد فامیل و خویشاوندان متوجه است که کاری نکنند که رشته الفت و محبت و صمیمیت بین خود را پاره کنند که این یک سنت لا یتغیر الهی به شمار می‌رود.

۳- اینکه قطع کنندگان رشته‌های خویشاوندی و عدم تعهد بر اصول آن به مثابه نوعی فساد خانوادگی و اجتماعی به شمار می‌آیند و قاطع رحم و زیر پا گذارنده اصول خویشاوندی و

۱- سوره بقره آیه ۱۳۶

۲- قرائتی - تفسیر نور

۳- سوره بقره آیه ۲۷

پیوند رحمی نوعی مُفسِد فی الارض به شمار می‌آید.

آیه وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ چه اندازه گویا و جالب و لحن آن بسیار تند و شکننده است تا آنجا که قاطع رحم را به مثابه مُفسِد روی زمین به شمار آورده ، یعنی نه تنها در میان خانواده و عشیره و قوم فسادی مرتکب شده و اصلی از اصول مهم و با ارزش اسلامی را زیر پا گذارده بلکه در سطح زمین و میان جامعه مرتکب فساد شده و از اینجا رابطه ی مستقیم یک خانواده و یک عشیره و یک قوم با سایر اقوام بلکه با انسانهای روی زمین از دیدگاه اسلام معلوم و مشخص می‌شود.

۴ - این آیه قطع روابط خویشاوندی را یک زیان و ضرر و خسران به شمار آورده است خسرانی شخصی و خانوادگی و اجتماعی و انسانی در دنیا و آخرت ، زیرا قطع پیوند خویشاوندی افراد فامیل جامعه را از خیر و برکت وجودی و علمی و سایر برکات محروم می‌سازد و مثل این است که در بوستانها و باغها، انواع میوه‌های قابل استفاده وجود داشته باشد و بدون استفاده باقی بماند و فاسد و ضایع شوند. این زیانی بزرگ است که متوجه اقوام و عشیره و افراد فامیل و در نتیجه جوامع بشری می‌شود، و می‌فرماید: وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.

آنان که پیمان خدا را پس از محکم شدن می‌شکنند و می‌برند آنچه خدا به پیوند آن امر فرمودند و در زمین فساد می‌کنند، برایشان لعنت و محرومیت از رحمت خداست و برای ایشان جایگاه بدی است [یعنی جایشان در دوزخ است]. این آیه با آیه ی قبلی در دو حکم مشترک هستند و آن دو این است که پیوند فامیلی و عشیره‌ای و به اصطلاح پیوند رحمی نوعی پیوند تکوینی و تشریحی است و قطع روابط بین افراد فامیل به منزله فسادی است که در روی زمین واقع می‌شود. علاوه بر این دو حکم، این آیه بر دو مطلب دیگری نیز دلالت دارد که از صراحت آیه قبلی استفاده نمی‌شد:

اول اینکه: این گونه افراد مورد لعنت خدا هستند یعنی از رحمت خدا به دورند.^۱

دوم اینکه: جایگاهشان در دوزخ است. بدیهی است که دور بودن از رحمت الهی و جهنمی بودن گرچه لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند ولی به منزله این است که لامپهای پر نوری که تمام قوام آنها به مبدأ نور یعنی کارخانه وابسته است رابطه ی خود را با مبدأ و منشأ خویش قطع کنند. این قطع رابطه باعث خاموش شدن نور وجود می‌شود و این بالاترین ضرری است که به انسانی می‌رسد که رابطه ی خود را با خالق و صانعش یعنی هستی‌بخش وجودش قطع کند و مورد رحمت الهی قرار نگیرد. از این عبارت مذمت و نکوهش شدید قطع رحم واضح می‌شود.

پیمان تکوینی و تشریحی

در آیه ۸ سوره حدید، به پیمان گرفتن خداوند از انسان‌ها اشاره شده است. «وَمَا لَكُمْ لَا تَتُومِنُونَ بِاللَّهِ ... وَ قَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱. برخی مفسران، این پیمان را همان میثاق فطری دانسته و مفاد این آیه را آن دانسته‌اند که خداوند انسان‌ها را بر اساس فطرت خداشناسی پدید آورده است؛^۲ ولی برخی آن را اشاره به گرفتن پیمان از بنی آدم در حالی که در صلب حضرت آدم (علیه السلام) بودند^۳ و برخی دیگر آن را پیمان تشریحی دانسته‌اند.^۴

آیا صلّه رحم بین رحم فقیر و غنی متفاوت است؟

هرچند عادت اهل دنیا بر این است که در بین بستگان، آنکه صاحب مال و اعتبار باشد او را وابسته‌ی نزدیک خود می‌دانند و اگر فقیر و بی اعتبار باشد او را از خود جدا می‌دانند هرچند نزدیک هم باشد ولی در شرع مقدس هیچ فرقی در حکم صلّه و قطع رحم بین اقارب نیست، بلکه هرچه نزدیک‌تر باشد و واسطه کمتر بخورد این حکم شدیدتر می‌باشد.^۵

حدّ و جوب صلّه و قطع رحم

قدر مسلم از وجوب صلّه، مقداری است که در ترک آن قطع رحم عرفاً صدق نماید، پس هر عملی که صلّه‌ی رحم بر آن صادق باشد بطوری که اگر بجا نیآورد می‌گویند قطع رحم کرده آن عمل شرعاً واجب است، مثلاً هرگاه شخص ثروتمندی رحم فقیری داشته باشد که محتاج مخارج ضروریه مانند نفقه روزانه یا معالجه مرض یا ادای دین شده و از رحم ثروتمند و متمکن خود مطالبه‌ی وجهی برای رفع ضرورت کند، اگر از او مضایقه کرد قطع رحم نموده، پس دادن این مال به مقداری که رفع حاجتش گردد صلّه رحم و شرعاً هم شکی در واجب بودنش نیست.^۶ همچنین هر نوع حاجت ضروری که داشته و به رحم خود عرضه ندارد او هم از عهده برمی‌آید و طوری است که اگر اعتنائی نکند در عرف قاطع رحم شمرده می‌شود، این قسم کار، صلّه‌ی واجب است.

مگر اینکه انجام حاجتش موجب عسر و حرج باشد یا اینکه حاجتش غیر مشروع باشد یا اینکه در راه انجام حاجتش در معصیت واقع می‌شود که در این مورد هم واجب نخواهد بود، مثل اینکه رحم شخص از سفر آمده و اگر از او دیدن نکند در عرف قطع رحم است لیکن اگر صلّه

۱ - اسماء و صفات الهی در قرآن

۲ - تفسیر قرآن الکریم ج ۶ ص ۱۸۰

۳ - الجامع الاحکام القرآن، قرطبی

۴ - المیزان ج ۱۹ ص ۱۵۲

۵ - گناهان کبیره ج ۱ ص ۱۴۸

۶ - گناهان کبیره ج ۱ ص ۱۵۰

کند و به خانه‌اش رود گرفتار معصیت می‌گردد، شکی نیست که این قسم از صله واجب نیست. در هر موردی که شک دارد آیا این مقدار از صله واجب است یا نه به عرف رجوع نماید اگر ترک آن را قطع رحم دانستند واجب خواهد بود و گاه می‌شود که ترک سلام یا ترک احسان کمی، یا برنیاوردن حاجت مختصری یا ترک دیداری در عرف قطع رحم شمرده می‌شود^۱.

نتیجه گیری

با نگاهی به نسب در طول دوران تاریخ متوجه می‌شویم که ارزش و اهمیت نسب از دو بعد دنیوی و اخروی در خور بررسی است، توجه به نسب در زندگی دنیوی در همه ی ملل جهان از دیر باز مطرح بوده، سنگ نوشته‌ها، الواح و طومارهای به جا مانده از دوره باستان، گواه آن است که آدمی از روزگاران کهن به این موضوع توجه داشته است.

حضرت علی(ع) پس از شهادت حضرت زهرا (س) در ازدواج دوم خود از عقیل می‌خواهد تا برای او بانویی با اصل و نسب پیدا کند که عقیل نیز ام البنین را به ایشان معرفی می‌کند. در نامه حضرت علی علیه السلام هم به مالک اشتر توصیه شده است که با اشخاص دارای حسب و نسب و خاندانهای صالح و خوش سابقه پیوند برقرار سازد (رجوع کنید به نهج البلاغه، نامه ۵۳).

متأسفانه در جامعه ی امروزی ما شاید افراد وجود نسب را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند و به فامیل و خویشاوندان خود خیلی کمتر رسیدگی می‌کنند گویا بیماری کرونا این دلیل را موجه می‌نماید غافل از اینکه با وجود چنین بحرانی در اجتماع می‌بایست رسیدگی به افراد فامیل بیشتر باشد و هر اندازه که در توان افراد است چه از طریق تماس تصویری، حتی اگر اقوام در شهر دیگری باشند و نیازمند کالایی از قبیل دارو و یا امکانات دیگری باشند که در شهر ما این امکانات موجود است و در این زمان شرایط سفر وجود ندارد مثلاً از طریق پست مایحتاج آنها را ارسال نمائیم.

اگر افراد سالمندی در اقوام داریم می‌توانیم در امور خرید منزل به آنها کمک کنیم تا آنها در این شرایط بیماری از منزل خارج نشوند.

لازم به توضیح است که ارحام از کم محلی، تحقیر شدن، تهمت خوردن و تکبر آزار روحی می‌بینند و خودداری از آزار آنان از افضل مراحل صله ی رحم است.

مراقب باشیم که در این دوران به بهانه ی کرونا مورد عاق والدین قرار نگیریم، که این بدترین نوع قطع رحم است.

فهرست منابع

قرآن

- ۱- نهج البلاغه
- ۲- امامی اسداله و صفائی سید حسین / حقوق خانواده/ ۱۳۹۱/ دانشگاه تهران
- ۳- ابی القاسم الحسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی / مفردات راغب / بیروت الدارالشامیه
۱۴۱۶ ق = ۱۹۹۶ م = ۱۳۷۴ / دمشق - دارالقلم
- ۴- انصاریان / حسین / نظام خانواده در اسلام / ۱۳۸۰ / ام اییها
- ۵- ابن منظور / محمد بن مکرّم / لسان العرب / ۱۳۶۹ / دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع / بیروت لبنان
- ۶- آیت اله بجنوردی / اندیشه های حقوقی حقوق خانواده / ۱۳۸۷ / مجد
- ۷- جعفری لنگرودی / محمد جعفر / ترمینولوژی حقوق / ۱۳۹۲ / گنج دانش
- ۸- حسینی / سید محمد جواد / مفتاح الكرامه / مؤسسه النشر الاسلامی / ۱۳۹۱
- ۱۰- دهخدا / علی اکبر / لغت نامه دهخدا / ۱۳۷۷ / انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۱- دستغیب / سید عبدالحسین، سید محمد هاشم / گناهان کبیره / ۱۳۹۶ / دارالکتاب
- ۱۲- شیخ طوسی / تهذیب الاحکام / ۴۱۳ ق / دارالتعارف للمطبوعات
- ۱۳- شهیدثانی / دکتر علی شیروانی / شرح لمعه / ۱۴۰۰ / مجد
- ۱۴- شهیدثانی / مسالک / ۱۴۱۳ ق / مؤسسه المعارف الاسلامیه
- ۱۶- شاهرودی نمازی / علی / سفینه البحار / ۱۳۸۵ / جامعه مدرسین
- ۱۷- صدرالدین شیرازی / محمد بن ابراهیم / خواجهی محمد (مصحح) / تفسیر قرآن الکریم / ۱۳۶۶ / بیدار
- ۱۸- طباطبایی / سید محمد حسین / ۱۳۸۷ / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۱۹- قرائتی / محسن / تفسیر نور / ۱۳۷۴ / وزارت فرهنگ و ارشاد
- ۲۰- قرطبی / محمد بن احمد / الجامع الاحکام القرآن قرطبی / ۱۳۶۴ / ناصر خسرو
- ۲۱- کلینی / اصول کافی / ۱۳۹۵ / انتشارات دارالحدیث قم
- ۲۲- گلستانه / سید علاء الدین محمد / منهج الیقین / ۱۳۹۳ / هشت جاوید
- ۲۱- محقق / محمد باقر / اسماء و صفات الهی در قرآن / ۱۳۷۲ / اسلامی
- ۲۲- مجلسی / محمد باقر / زاد المعاد / ۱۳۳۸۹ / جلوه کمال
- ۲۳- نوری / امیرزاد حسین / مستدرک الوسائل / ۱۴۰۸
- ۲۴- نراقی / مهدی بن ابی ذر / مجتوبی / سید جلال الدین / علم اخلاق اسلامی / ۱۳۷۹ / حکمت.